

نمودار روابط اقتصادی

کی، کجا و چطوری؟

مرز باریک بین رقابت سالم و ناسالم

اقتصادی می‌شوید، مگر علتش غیر از این است؟! یا حتی وقتی صدقه می‌دهید و انفاق می‌کنید؟ ما پنج نوع رابطه می‌توانیم با هم داشته باشیم: برخورد؛ رقابت؛ همکاری؛ نوع دوستی؛ ایثار و فداکاری.

هر چقدر که شخصیت آدم‌ها رشد می‌کند، روابطی که نام بردیم هم خیلی انسانی‌تر برای آن‌ها مطرح می‌شود. حالا بگذارید هر کدامشان را توضیح دهیم. برخورد: قرار نیست همه با هم در صلح کامل باشند. اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. ممکن است این نکته برایتان عجیب باشد، اما واقعیت محض است. شما وقتی از برخورد استفاده می‌کنید که لازم است چیزی را دفع کنید یا بر عاملی غلبه کنید.

روابطی را که قبل از این گفتیم، انسان‌ها ناچارند با هم داشته باشند و اینکه گفتیم انسان‌ها کمال‌گرا هستند، بعضی مواقع باعث می‌شود به این فکر بیفتند که موجودات دیگر و آدم‌های دیگر را برای خودشان به خدمت بگیرند، حق را به خودشان بدهند، بقیه را نینند یا برای هم مزاحمت ایجاد کنند. در این مواقع برخورد به وجود می‌آید.

در آیه قرآنی اشداء علی الکفار رحماء بینهم به این موضوع اشاره شده است که بین مؤمنان این رابطه برخورد باید در کمترین میزان خود باشد و در رابطه با کفار در بیشترین اندازه. یعنی برای مؤمنان، مهم‌ترین علت اینکه یک چیزی را بخواهند دفع کنند یا بر چیزی غلبه کنند، باید همان حق و باطل باشد که این بین مؤمنان و کفار است. پس در برخورد با کفار و غیرمؤمنان بهترین انتخاب برخورد است. و چون این برخورد برای آن است که حق را برپا کنیم، از نظر دین هم کاملاً پسندیده است و این افراد شامل رحمت خدا هستند.

اما این نکته خیلی مهمی است که شناختن حق و باطل موضوع بسیار مهمی می‌شود. هر کسی نمی‌تواند برای ما حق و باطل را معلوم کند. برای اینکه حق و باطل را بشناسیم، باید سراغ دین، کتاب خدا، پیامبر و ائمه برویم. این‌ها ملاک حق و باطل را روشن می‌کنند. رقابت: رقابت با توجه به اینکه طرف مقابل مؤمن است یا کافر، خودش دو نوع است: در مقابل

تا به حال برای شما پیش آمده است که ندانید در روابط خودتان چطور رفتار کنید؟ اصلاً ما چند نوع رابطه داریم و کدام یک از آن‌ها درست است؟ همه باید با هم در صلح کامل باشند؟ همه باید با هم در دعوا و جنگ باشند؟

رابطه در روابط اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگی هست. در اقتصاد هم هست. پس می‌خواهیم درباره یک موضوع مهم با هم صحبت کنیم. شنیده‌اید که می‌گویند همه باید با هم در صلح باشند، یا همه باید برای گرفتن حقیقتان دعوا راه بیندازند. هر دوی این‌ها غلط هستند.

قبل از همه چیز باید بدانید، ما دو دسته آدم داریم: مؤمنان و کفار. می‌دانید چه چیزی این دو را از هم جدا می‌کند؟ حق و باطل. دسته‌بندی‌های سیاسی و حزبی یا حتی فوتبالی را که احتمالاً زیاد شنیده‌اید. خدا در قرآن بین انسان‌ها اصلاً دسته‌بندی قرار نداده است، غیر از همین؛ حق و باطل. مؤمنان طرفدار حق هستند و کفار طرفدار باطل.

حالا برگردیم سر اصل مطلب. از آنجا که انسان‌ها نیازهای گوناگونی دارند و خودشان به تنهایی نمی‌توانند همه نیازهایشان را برطرف کنند، برای همین سعی می‌کنند با ارتباط گرفتن با بقیه آدم‌ها نیازهای همدیگر را برطرف کنند. مثلاً خیلی سخت است که کسی مواد اولیه غذایی و لبنیات را خودش با دامداری و فراوری محصولات دامی و کشاورزی درست کند و از طرف دیگر برای خودش پارچه درست کند و لباس بدوزد. بعد مصالح ساختمانی بسازد و با آن‌ها خانه درست کند و ... تا فقط سه مورد از نیازهای اولیه‌اش تأمین شوند! به جای این، می‌رود با کسانی که هر کدام از این‌ها کار تخصصشان است ارتباط می‌گیرد و نیازهایش را تأمین می‌کند. این ارتباطات بین انسان‌ها روابط گوناگونی را به وجود می‌آورد. سرچشمه‌اش هم این است که انسان‌ها هم خودشان را خیلی دوست دارند و هم دوست دارند بهترین و کامل‌ترین چیزها را در همه موضوعات با هم داشته باشند. یعنی آدم‌ها ذاتاً کمال‌گرا هستند. مثلاً وقتی شما وارد معامله‌ای



ترتیب هم خودتان رشد می‌کنید و هم بقیه به فکر افزایش کیفیت خودشان می‌افتند و آن‌ها هم رشد می‌کنند.

این رقابت‌کردن در کار اقتصادی انگیزه ایجاد می‌کند تا افراد مدام خودشان را ارتقا بدهند، کیفیتشان را بالا ببرند و مشتری‌مداری بیشتری داشته باشند. رقابت میان فروشندگان باعث می‌شود هزینه‌ها و قیمت‌ها پایین بیایند، اما کیفیت بالا برود؛ که در نهایت برای همه جامعه منفعت عمومی دارد.

اگر گفتید نکته مهمش کجاست؟!

برای هر مسابقه سالمی اولاً همه باید حق حضور برابر داشته باشند تا هر کس به اندازه توانایی و استعداد خودش بتواند رقابت کند. دوم اینکه باید سامانه درستی، برای اینکه قاعده عادلانه را برقرار کند، وجود داشته باشد. در واقع یک داور خوب لازم است.

غیرمؤمنان و کفار، بعضی وقت‌ها چون حذف ممکن نیست، سطح برخورد را یک پله پایین‌تر می‌آوریم و با آن‌ها رقابت می‌کنیم تا سهم آن‌ها را کاهش دهیم و آن‌ها را ضعیف کنیم.

در بین مؤمنان اما رقابت برای ضعیف‌ترکردن هم دیگر نیست، بلکه برای رشد است. رقابت باعث می‌شود استعدادهای آدم‌ها شکوفا شود. یعنی در این‌ها هدف شما رشد خودتان و طرف مقابل است.

حالا در چنین رقابتی دیگر مجاز نیستیم به هر کاری دست بزنیم که بین قیمت‌ها جنگ درست کنیم یا اینکه از هر طریقی بخواهیم سهم بازار دیگری را کم کنیم و به خودمان اضافه کنیم. شاید بپرسید پس چطور رقابت کنیم؟

کیفیت خودتان را به‌طور دائم زیاد کنید و رضایت خریداران و مشتریان‌تان را بیشتر جلب کنید. به این

